

# یک کتاب و انبوهی از خوانش ناصواب

نگاهی انتقادی به ترجمه کتاب «اعراب و ایرانیان بر  
اساس روایت فتوحات اسلامی»

۳۳۱-۳۴۴

چکیده: یکی از ضرورت‌ها و شروط لازم ترجمه‌ی آثار، بهره‌مندی از دانش تخصصی و آگاهی کامل در موضوع آثار مورد نظر است. مترجمی که با ظرائف و دقائق و اصطلاحات تخصصی رشته‌ای خاص بیگانه باشد، بی‌گمان در ترجمه‌ی اثری در زمینه‌ی آن علم نیز کامیاب نخواهد بود. در میان ترجمه‌ی کتب تاریخی، یکی از آثاری که اخیراً توسط نشر علم منتشر شده، کتاب «اعراب و ایرانیان» اثر اسکات ساوران و ترجمه‌ی خانم سمانه کدخدایی مرغزار است. مروری انتقادی بر این ترجمه، نشان می‌دهد که مترجم محترم، به دلیل ناآشنایی با زبان عمده‌ی آثار تاریخ اسلام (زبان عربی) و همچنین بی‌اطلاعی از دانش تاریخ، در صدها مورد مرتکب خوانش‌هایی فاحش و سراسر غلط شده که از فهرست کتاب آغاز می‌شود و تا واپسین صفحه‌ی اثر همراه خواننده باقی می‌ماند. مقاله‌ی پیش‌رو، برخی از این خطاها را تنها از قسمت ضمیمه‌ی کتاب برشمرد و به همراه ملاحظاتی دیگر درباره‌ی ترجمه‌ی اثر، عرضه نموده است.

کلید واژه‌ها: اعراب و ایرانیان، اسکات ساوران، کدخدایی مرغزار، ترجمه، نقد، نشر علم

اعراب و ایرانیان: بر اساس روایت فتوحات اسلامی،  
اسکات ساوران، ترجمه سمانه کدخدایی مرغزار، نشر  
علم، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۸، ۴۳۷ ص.

**A Book and Pile of Misunderstandings  
A Critical Look at the Translation of the  
Book “Arabs and Iranians Based on the Nar-  
ration of Islamic Conquests”  
Mohammad Mehdi Salmanpour**

**Abstract:** One of the necessities and conditions of a good translator is to benefit from specialized knowledge of the subject of the works in question. A translator who is unfamiliar with the subtleties, details, and specialized terms of a particular discipline will certainly not be successful in translating a book in that field. Among the translations of historical books, one of the works recently published by Ilm Publishing is the book “Arabs and Iranians” by Scott Savaran, which is translated by Ms. Samaneh Kadkhodai Marghzar. A critical review of this translation shows that the translator, due to unfamiliarity with the language of the major works of Islamic history (i.e. Arabic) as well as her lack of knowledge of history, has committed hundreds of big and clear misunderstandings starting from the book index and continues to the last page of the work. The following article lists some of these errors only in the appendix of the book, along with other considerations about translating the work.

**Keywords:** Arabs and Iranians, Scott Savaran, Kadkhodai Marghzar, Translation, Criticism, Ilm Publishing

کتاب واحد وتلال من القراءات الخاطئة  
نظرة نقدية لترجمة كتاب (العرب والإيرانيين طبقاً لرواية الفتوحات  
الإسلامية)  
محمد مهدي سلمان پور

الخلاصة: من الأمور الضرورية والشروط الواجب توفرها عند ترجمة النصوص هو تمتع المترجم بالتخصص العلمي والاطلاع التام على موضوع تلك النصوص المقصودة. فالترجم إن كان غريباً عن أسرار ودقائق أحد العلوم واصطلاحاته التخصصية لا شك أنه سوف لا يتمكن من القيام بترجمة رصينة وسائغة لأحد النصوص التي تبحث في ذلك العلم. ومن الكتب التاريخية التي تمت ترجمتها أخيراً هو الكتاب الذي صدر أخيراً عن انتشارات (نشر علم) بعنوان اعراب و إيرانيان (= العرب والإيرانيين) من تأليف اسكوت ساوران وترجمة السيدة سماعة كدخدائي مرغزار. وتشير النظرة العابرة على هذه الترجمة إلى أن المترجمة المحترمة وبسبب عدم اطلاعها على اللغة الأساسية في كتب التاريخ الإسلامي (أي اللغة العربية) وجهلها لعلم التاريخ قد تسببت في المئات من موارد الاشتباه والأخطاء الفاحشة في القراءة حتى ملأت الكتاب بالأخطاء التي يلمسها القارئ من بداية الكتاب في الفهرست وحتى الصفحة الأخيرة منه. والمقال الحالي يكتبي بتأشير الأخطاء الموجودة في القسم الملحق من الكتاب فقط، مع بعض الملاحظات الأخرى حول كيفية ترجمة هذا الكتاب.

المفردات الأساسية: اعراب و إيرانيان (= العرب والإيرانيون)، اسكوت ساوران، كدخدائي مرغزار، الترجمة، النقد، نشر العلم.

## مقدمه

بازار ترجمه در کشور ما سالیانی است که شور و حرارتی افزون یافته است. در کنار ترجمه‌هایی استوار و شایسته تقدیر شاهد آثاری نیز هستیم که گاه حتی ساده‌ترین استانداردهای یک برگردان مناسب در آنها رعایت نشده است. پندار مترجمان محترم این قبیل آثار چنین است که صرف آشنایی با دوزبان مبدأ و مقصد کافی است تا ایشان دست به کار ترجمه اثری شوند. حال آنکه چنین نیست و آشنایی پیش‌گفته تنها شرط لازم است، نه شرط کافی.

بازنویسی یک اثر حتی به همان زبانی که نگاشته شده نیز افزون بر توانایی خواندن، در گرو توانایی فهمیدن متن است. برای مثال اگر کسی با علم فقه یا فلسفه نا آشنا باشد، تنها به این دلیل که زبان نوشته‌ای را بلد است، نه از فهم یک متن فقهی یا فلسفی برمی‌آید و نه توان شرح و بازگویی آن را برای دیگران خواهد داشت. این حساسیت در ترجمه آثار که توانمندی، دقت و ژرف‌نگری در حداقل دو زبان را می‌طلبد، دو چندان خواهد بود.

تفاوت‌های بنیادین در نگارش عبارات، مشکلات پیش روی مترجم را گسترده‌تر می‌کند. بسیاری از حروف در زبان انگلیسی به مثابه مشترکات لفظی هستند و شامل چندین حرف در زبان فارسی یا عربی و... می‌شوند. مترجمی را تصور کنید که تنها فارسی و انگلیسی را در حدی معمول بداند و هیچ اطلاعی از جغرافیای ایران نداشته باشد. سپس نام دو شهر تبریز و اصفهان را به شکل «طبریظ» و «ائفحان» خوانش و کتابت کند! محترمانه‌ترین پیشنهادی که می‌توان به چنین فردی داشت، این است که پند خواجه شیراز را گوش گرفته، عرض خود نبرد و زحمت دیگران ندارد و پا در وادی‌ای که از لوازم ابتدایی آن به کلی بی‌بهره است نهد.

تأسف بار است که شمار قابل توجهی از آثار ترجمه‌شده که امروز روانه بازار نشر می‌شوند به این بلیه دچارند. مترجمان محترم در وقت عمل، ضرورت آشنایی با دانش‌های تخصصی و آگاهی کافی از موضوع اثر خود را به فراموشی می‌سپارند و تنها با تکیه بر دانستن زبان انگلیسی یا زبانی دیگر به ترجمه اثری اقدام می‌کنند که کمترین معلوماتی در حیطه آن ندارند. حاصل کار مشخص است؛ اثری ناصواب و لبریز از خطا و شایسته آنکه گفته‌اند: «کشته آن قدر فزون است کفن نتوان کرد».

نوشتار پیش رو به یکی از این آثار می‌پردازد که کوتاه زمانی است روانه بازار کتاب شده است.

کتاب اعراب و ایرانیان؛ براساس روایت فتوحات اسلامی ترجمه‌ای به قلم خانم سمانه کدخدایی مرغزار از کتاب دکتراسکات ساوران است که نشر علم در سال ۱۳۹۸ خورشیدی آن را منتشر کرده است.

## نویسنده و کتاب

اسکات ساوران متخصص خاورمیانه، تاریخ و سیاست اسلامی، عضو هیئت علمی دبیرستان علوم و فناوری توماس جفرسون ویرجینیا و تاریخ، فلسفه و مطالعات دینی دانشگاه نظریات قزاقستان و استاد مشاور در مرکز مطالعات پیشرفته زبان دانشگاه مرلند است.

کتاب او عملکرد مورخان اولیه مسلمان را درباره تاریخ پیش از اسلام اعراب و ایرانیان تحلیل می‌کند. تألیف این اثر بر پایه پایان نامه ایشان است که در سال ۲۰۰۱ در دانشگاه ویسکانسین از آن دفاع کرده است. چنان‌که خود ساوران در مقدمه اثرش آورده، پس از مطالعه کتاب مروج الذهب مسعودی مجذوب بخش مربوط به امپراتوری ساسانیان شده است.

او هنگام مطالعه آن کتاب با پرسش‌هایی درباره دیدگاه مورخان مسلمان به تاریخ ایران پیش از اسلام روبرو شد که آن پرسش‌ها او را به مسیر پژوهش در این کتاب کشاند. پژوهشی که چنان‌که در پیش‌گفتار کتاب نیز آمده است، تاریخ‌نگاری اولیه اسلامی را درباره روابط امپراتوری ساسانیان و قبایل شبه جزیره عربستان و عراق تحلیل می‌کند.

بنابراینچه در مقدمه کتاب آمده، درون مایه اصلی این اثر، عصر ساسانیان است و نویسنده نیت این را دارد که نشان دهد آثار تاریخی اسلامی، فتح ایران توسط اعراب را به عنوان اوج یک نمایشنامه بین تمدن‌های عربی و ایرانی به تصویر می‌کشند که به طور جدی با ظهور خاندان ساسانیان آغاز می‌شود.

نویسنده کتاب را در هشت فصل سامان داده است. در فصل اول که مقدمه اوست، به مباحثی درباره ساخت هویت، حافظه جمعی و روایت فتوحات اسلامی می‌پردازد. سیر خطوط کلی فصل‌های اثرش را بررسی کرده و منابع خود را به روشنی شرح داده است.

فصل دوم درباره تغییر الگوهای هویت و تاریخ‌نگاری اولیه اسلامی است.

فصل سوم با عنوان جذاب «شروع نمایشنامه، شاپور و شیخ»، به دیدار شاپور و شیخ عرب به عنوان یک تمهید پیش‌بینی‌کننده که خبر از آینده می‌دهد می‌پردازد.

فصل چهارم درباره لخمیان حیره که بهرام گور ساسانی نزد آنان تربیت شده بود و فاجعه هفتالیان و اثر آن بر نبردهای بعدی بین ایرانیان و اعراب است.

فصل پنجم به غروب قدرت ساسانی و سلطنت قباد و انوشیروان می‌پردازد و با میلاد پیامبر گرامی اسلام به پایان می‌رسد.

فصل ششم کتاب درباره خسرو پرویز و ظهور اعراب است.

فصل هفتم که اوج داستان است، به پیروزی اسلام بر ساسانیان و بررسی نبردهای مختلف بین ایرانیان و عرب‌ها اختصاص دارد.

فصل هشتم فصل کوتاه نتیجه‌گیری است. چنان‌که در ابتدای آن تصریح شده، ساوران برای این باور است که در این کتاب اثبات کرده نخستین مورخان مسلمان بین سال‌های ۷۵۰ و ۱۰۵۰ میلادی تاریخ اعراب و ایرانیان را تلفیق کرده و به صورت نمایشنامه‌ای چهارصدساله درآوردند که اوج آن فتح امپراتوری ساسانیان توسط اسلام است. ساوران در این فصل کوتاه مروری بر یافته‌های پژوهشی خود دارد و در پایان نیز از مسیرهای بالقوه برای پژوهش‌های آینده سخن می‌گوید.

از مزایای مهم اثر این است که نویسنده به زبان عربی آشنایی کاملی دارد و در پژوهش ارزشمند خود از منابع دست‌اول بهره‌ بسیاری برده و بر غنای دسترنج خویش افزوده است.

### ترجمه فارسی کتاب

چنان‌که گفته شد، عنوان ترجمه‌ اثر اعراب و ایرانیان: بر اساس روایت فتوحات اسلامی است. این در حالی است که نام انگلیسی کتاب چنین است:

Arabs and Iranians in the Islamic Conquest Narrative: Memory and Identity Construction in Islamic Historiography, 750-1050

با نگاهی کوتاه به عنوان کامل کتاب روشن می‌شود که مترجم محترم عنوان اصلی انگلیسی را به دو قسمت اصلی و فرعی در ترجمه خود تقسیم کرده و عنوان فرعی انگلیسی را اساساً ترجمه نکرده است. با وجود آنکه حتی بازه زمانی‌ای که نویسنده کتاب پژوهش خود را بر اساس آن سامان داده، در عنوان کامل انگلیسی آمده است.

مترجم محترم چنان‌که در مقدمه خود بر کتاب آورده، دانش آموخته رشته حقوق است. یک حقوقدان البته می‌تواند در صورت داشتن صلاحیت‌های لازم و دانش کافی در زمینه‌های تخصصی ترجمه کتابی را در آن زمینه‌ها نیز عهده دار شود. سوگمندانه با مرور این کتاب روشن می‌شود که این شرط در مترجم محترم مفقود است و ایشان بدون آنکه کمترین دانشی از تاریخ اسلام و لوازم فهم دقیق آن همچون زبان عربی داشته باشد، ترجمه‌ای را سرشار از اشتباهات متعدد از کتابی در این زمینه حساس و مهم عرضه کرده است. اشتباهاتی که از فهرست ابتدای کتاب آغاز شده و تا آخرین صفحه اثر همچنان حضور نیرومند خود را حفظ می‌کنند.

صاحب این قلم متأسفانه به متن انگلیسی کتاب دسترسی ندارد. با وجود این مترجم محترم آن قدر مرتکب اشتباهات فاحش شده است که تنها ذکر همان‌ها برای نوشتاری مفصل کفایت کند. شاید

منتقدی دیگر، اشکالات بسیار دیگری را نیز از متن ترجمه این کتاب بیابد که زمینه نگارش نقد دیگری را بر این اثر فراهم آورد.

### محدوده بررسی و گونه‌شناسی اشکالات مورد نقد

چنان‌که اشاره شد، ایراد و اشکال در این ترجمه بسیار است. پرداخت جزئی به تمام بخش‌های کتاب فارغ از آنکه می‌تواند خارج از حوصله خوانندگان گرامی باشد، ضرورتی هم ندارد و بررسی بخش‌هایی از اثر از باب مشت نمونه خروار کفایت می‌کند.

از این رو در این نوشتار تنها به بخش ضمیمه کتاب می‌پردازیم که از صفحه ۳۱۱ تا ۴۳۷ کتاب (۱۲۷ صفحه) را شامل می‌شود.

مترجم محترم نظر به فقدان معلومات لازم و حتی اولیه از دانش تاریخ در صدها مورد مرتکب خوانش‌های اشتباه شده و خطاهایی فاحش از خود برجای نهاده است. خطاهایی که در جای جای کتاب آشکار است و چهره‌ای نازیبا به آن بخشیده است.

راقم این سطور با مروری بر بخش ضمیمه کتاب که به عنوان نمونه بررسی شده است، ۱۰۰ عنوان خوانش اشتباه یافته که این خطاها بیش از ۲۰۰ بار نیز در مواضع مختلف دیگر آن بخش تکرار شده‌اند. به این ترتیب فقط در بخش ضمیمه این کتاب بیش از ۳۰۰ خوانش اشتباه هست که در این نوشتار با تقسیم ذیل ارائه و تصحیح شده است.

اشتباه در خوانش نام اشخاص، کتب و آثار، مناطق جغرافیایی و دیگر مکان‌ها (همچون مراکز و...) و واژگان و عباراتی دیگر که داخل در تقسیمات پیشین نیستند.

پس از این موارد به تعداد قابل توجهی اشتباه املائی و حروف نگاشتی نیز اشاره شده است.

### اشکالات قابل چشم‌پوشی

راقم سطور از بیان بسیاری از اشتباهات جزئی و کوچک مترجم صرف نظر کرده است. برای مثال مترجم محترم به دلیل ناآشنایی با «واو» فارقه در زبان عربی بارها تفاوت دو نام «عمرو» و «عمر» را تشخیص نداده و در خوانش دچار خطا شده است. برای نمونه می‌توان به عمر بن عاص (ص ۴۱۴) و عمر بن بحر (ص ۳۳۰) و موارد متعدد دیگر در ترجمه اشاره کرد که صحیح همه آنها «عمرو» است.

همچنین در موارد پرشماری «الف» و «لام» از اسامی حذف شده است، مانند نام کتاب اخبار دولت العباسیه (ص ۳۶۲) که صحیح آن اخبار الدولة العباسیه است یا حتی «الف» و «لام» به صورت زائد آمده است، مانند نام کتاب غرر الاخبار ملوک الفرس (ص ۳۲۲) که صحیح آن غرر أخبار ملوک

الفرس است یا شکل صحیح مذکور و مؤنث در عبارات رعایت نشده است، مانند دار الکتب العربیة الکبری (ص ۳۲۹) که صحیح آن دار الکتب العربیة الکبری است یا مطبع سلفیه (ص ۳۴۴) که شکل صحیح آن المطبعة السلفية است.

به دلیل آنکه تعداد این موارد بیش از حد است و از جانب دیگر نیز خطاهایی جزئی هستند، نگارنده در نقد خود به آنها نپرداخته است.

### ترجمه ای سرشار از اشتباه

اکنون به بررسی برخی از اشتباهات در محدوده پیش گفته می پردازیم. نگارنده این قسمت از نوشتار خود را در دو بخش سامان داده است. در بخش اول به اشتباهاتی که سرفصل های آن را پیش تر بیان کردیم پرداخته است و در بخش دوم ملاحظات دیگری نیز درباره ترجمه در همان محدوده مورد نظر بیان خواهد شد.

### بخش اول: اشتباهات فاحش در خوانش عبارات

الف) اشتباه در خوانش نام اشخاص

۱. یاشاتر (ص ۳۱۵) ← یارشاطر

۲. خالد قصری (ص ۳۲۰) ← خالد قسری

۳. ربیع بن امیر (ص ۳۲۲) ← ربعی بن عامر

گفتنی است که در قسمت ضمیمه کتاب تنها نام ربیع آمده و در ص ۴۶ متن کتاب عبارت ربیع بن امیر موجود است.

۴. مسکاو (ص ۳۲۶) ← مسکویه

۵. هلال صابی (ص ۳۲۹) ← هلال الصابی

۶. طاریف خالیدی (ص ۳۳۰) ← طریف الخالیدی

مترجم محترم همچنین این نام را در موارد متعدد دیگری به اشکال اشتباه: طاریف خلیدی (ص ۳۱۵)، طریف خلیدی (ص ۳۲۵، ۳۲۷)، خلیدی (ص ۳۳۴، ۴۳۴) و خلدی (ص ۳۴۳) ثبت کرده است.

۷. خلیکان (ص ۳۳۴) ← خلکان

۸. مرزوبانی (ص ۳۳۴) ← مرزبانی

۹. حسام بن محمد کلبی (ص ۳۳۴) ← هشام بن محمد کلبی

۱۰. عبدالعزیز دروری (ص ۳۳۵) ← عبدالعزیز الدوری
  ۱۱. معمر بن مسنی (ص ۳۳۶ دو مورد) ← معمر بن مثنی
  ۱۲. ابن هشام (ص ۳۲۵ و ۲۳ مورد دیگر) ← ابن هشام
  ۱۳. عبید بن عبرث (ص ۳۶۱) ← عبید بن ابرص
  ۱۴. یعقوب بن عبدالله هموی (ص ۳۴۵) ← یاقوت بن عبدالله حموی
  ۱۵. ساطیح و شتق (ص ۳۶۳ دو مورد و ۳۶۴) ← ساطیح و شق
  ۱۶. جزیمه (ص ۳۶۴ دو مورد) ← جذیمه
  ۱۷. ادی بن نصر (ص ۳۶۴) ← عدی بن نصر
  ۱۸. عمرو القیس (ص ۳۶۵ دو مورد) ← امرء القیس.
- شایان ذکر است که مترجم محترم بارها در متن کتاب این نام را به صورت عمر الغیث آورده است.
۱۹. حبه الله هلی (ص ۳۶۶) ← هبة الله حلی
  ۲۰. الملوک الاسادیه (ص ۳۶۶) ← الملوک الأسدیة
  ۲۱. سیف بن زبیرن همیری (ص ۳۷۴) ← سیف بن ذی یزن حمیری
  ۲۲. ابن اسیر (ص ۳۷۷ و ۱۴ مورد دیگر) ← ابن اثیر
  ۲۳. عمر بن ادی (ص ۳۸۰) ← عمرو بن عدی
  ۲۴. ذبَاع (ص ۳۸۰) ← زبَا
  ۲۵. پدر حسن توسان اسد ابوکرب (ص ۳۸۰) ← ابو حسن تبان اسعد ابوکرب
  ۲۶. عاکل المرار (ص ۳۷۹) ← آکل المرار
  ۲۷. ابوالسلط (ص ۳۸۷) ← ابوالصلت
  ۲۸. وحب (ص ۳۸۸ و دو مورد دیگر) ← وهب
  ۲۹. یعروب بن قحطان (ص ۳۸۸) ← یعرب بن قحطان
  ۳۰. بهیرا (ص ۳۹۱) ← بحیرا
  ۳۱. حمد الراویه (ص ۳۹۱) ← حمّاد الراویة
  ۳۲. بدام (ص ۳۹۱) ← باذام
  ۳۳. سع بن ناجیه بن اقالم جاشعی (ص ۳۹۲) ← صعصعة بن ناجية بن عقال مجاشعی
  ۳۴. بکرین واعل (ص ۳۹۲ و چهار مورد دیگر) ← بکرین وائل
  ۳۵. ادی بن زید (ص ۴۰۰ و دو مورد دیگر) ← عدی بن زید
  ۳۶. بلازوری (ص ۴۰۲ و هشت مورد دیگر) ← بلاذری
  ۳۷. بلازوری (ص ۴۰۸ و بیست و شش مورد دیگر) ← بلاذری
  ۳۸. حامرز (ص ۴۰۵) ← هامرز



۳۹. مسنی بن حارثه (ص ۴۰۸) ← مثنی بن حارثه

۴۰. سرهان بن سعد (ص ۴۰۹) ← سرحان بن سعد

۴۱. خاطب بغدادی (ص ۴۱۰ و سه مورد دیگر) ← خطیب بغدادی

۴۲. ابن اساکر (ص ۴۱۳) ← ابن عساکر

۴۳. الاسقلانی (ص ۴۱۳) ← العسقلانی

۴۴. عبدالله بن صبا (ص ۴۱۵) ← عبدالله بن سبا

۴۵. قع قع (ص ۴۱۵ و سه مورد دیگر) ← قعقاع.

مترجم محترم همچنین نام پدر این شخصیت را نیز عمر ثابت کرده که صحیح آن «عمرو» است.

۴۶. مسنی صبح (ص ۴۱۶) ← مثنی الصبح

۴۷. احمد بن اعصم کوفی (ص ۴۲۰) ← احمد بن اعثم کوفی

۴۸. ابن جوزی (ص ۴۲۴) ← ابن جُزّی.

دانشمند مورد اشاره ابن جُزّی کلبی (متوفای قرن هشتم) است و ارتباطی با عبدالرحمن بن جوزی (متوفای قرن ششم) ندارد.

۴۹. مقیره بن شعبه (ص ۴۲۶ و چهار مورد دیگر) ← مغیره بن شعبه

۵۰. شعبه بن موره (ص ۴۲۶) ← شعبه بن مرة

۵۱. ذل حاجب (ص ۴۲۸) ← ذوالحاجب

۵۲. ابن اصم (ص ۴۳۳ و ۴۳۶) ← ابن اعثم

۵۳. عضدی (ص ۴۳۴ و پنج مورد دیگر) ← ازدی

در پایان این قسمت لازم است یادآوری شود که خوانش‌هایی چنین ناصواب از اسامی اشخاص به اثر دیگری از مترجم نیز راه یافته است. برای مثال اندکی پس از انتشار کتاب اعراب و ایرانیان، همان ناشر کتاب داستانی اسم مستعار پروانه را از ایشان منتشر کرده که ترجمه‌ای از ترجمه انگلیسی یک داستان عربی اثر نویسنده معروف «احلام بشارت» است. مترجم محترم چون حتی به خود زحمت مشاهده جلد اصلی کتاب عربی را هم نداده است، دچار اشتباه در خوانش شده و نام نویسنده کتاب را «احلام بشارت» ثبت کرده است.

ب) اشتباه در خوانش نام کتاب‌ها و آثار

۱. تنبیه و اشراف (ص ۳۱۲) ← التنبیه والاشراف

۲. السیر النبوی لی ابن حشام (ص ۳۲۵) ← السیرة النبویة لابن هشام

۳. الرد والفتوح والكتاب الجمال (ص ۳۲۵) ← الردة والفتوح و کتاب الجَمَل

۴. نهایت العرب (ص ۳۲۵ و ۶۵ مورد دیگر) ← نهاية الأرب.

از ۶۶ مورد نادرست، مترجم ۱۲ بار عبارت نادرست نهایت العرب را آورده و ۴۴ مرتبه صرفاً نام نهایت را نوشته است.

۵. فضل العرب والتنبیه علی علومیه (ص ۳۲۷) ← فضل العرب والتنبیه علی علومها

۶. وفيات العیان (ص ۳۳۴) / وفيات العیان (ص ۳۳۸) ← وفيات الأعیان

۷. ذیل العمالی (ص ۳۳۴) ← ذیل الأمالی

۸. جمهرات النصب (ص ۳۳۴) ← جمهرة النسب

۹. آثار الباقية ان قرون الخالیه (ص ۳۴۰) ← آثار الباقية عن القرون الخالیه

۱۰. صلات رسائل (ص ۳۴۴) ← ثلاث رسائل

۱۱. بون دهشت (ص ۳۵۲) ← بندهش / بندهشن

۱۲. زینل الاخبار (ص ۳۵۸) ← زین الأخبار

۱۳. تیجان فی الملوک همیرا (ص ۳۶۰) ← التیجان فی ملوک حمیر

۱۴. الامتاع والمعانسه (ص ۳۶۱ و ۳۹۹) ← الامتاع والمؤانسة

۱۵. انصاب العرب (ص ۳۸۳) ← انساب العرب

۱۶. اخبار یمن و اشارها و انصابها (ص ۳۸۸) ← اخبار الیمن و اشعارها و انسابها

۱۷. كشف الامه الجامع الی اخبار الامه (ص ۴۰۹) ← كشف الغمة الجامع لأخبار الأمة

۱۸. انصاب الاشراف (ص ۴۱۰ و دو مورد دیگر) ← انساب الاشراف

۱۹. طبقات المحدثین به اصبهان (ص ۴۱۰ و دو مورد دیگر) ← طبقات المحدثین بإصبهان

۲۰. تهذیب التذیب (ص ۴۱۳) ← تهذیب التهذیب

۲۱. قمهرات النصب (ص ۴۱۴) ← جمهرة النسب

۲۲. بصائر الدرجات فی فضائل علی محمد (ص ۴۳۷) ← بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد

ج) اشتباه در خوانش نام مناطق جغرافیایی و دیگر مکانها

۱. رُم (ص ۳۱۲ و ۲۹ مورد دیگر) ← روم

مترجم محترم حتی نام سورۀ روم را که از سورۀ های قرآن کریم است، به صورت «سورۀ رُم» نگاشته است. (ص ۴۰۶)

۲. فرقانا (ص ۳۳۲ دو مورد) ← فرغانه

۳. اندلوس (ص ۳۳۴-۳۵۵) ← اندلس

۴. بین النحرین (ص ۳۳۸) ← بین النهرین
۵. سد معرب (ص ۳۵۳-۳۶۳) ← سد مأرب
۶. هیرا (ص ۳۶۳) و چهار مورد دیگر ← حیره
۷. کیندای / کیندا (ص ۳۷۹-۳۸۰) ← کنده
۸. دار الاحیا التورات (ص ۳۱۳ و ۴۲۷) ← دار احیاء التراث
۹. المتبع السلافیه (ص ۳۲۷) ← المطبعة السلفية
۱۰. ابوزبیح: المعجم السقفی (ص ۳۲۷) ← ابوظبی: المعجم الثقافی
۱۱. دار الارقم بن ابی الارقام (ص ۳۲۷) ← دار الأرقم بن أبی الأرقم
۱۲. دار الصقافة (ص ۳۳۰) ← دار الثقافة
۱۳. سناعه: مرکز الدير اصاد و العباس الیمنی (ص ۳۶۰) ← صنعاء: مرکز الدراسات والأبحاث الیمنیة
۱۴. مرکز زیاد للتورات التاريخ (ص ۳۶۶) ← مرکز زیاد للتراث والتاریخ
۱۵. بازار اکاز (ص ۴۰۰) ← بازار عکاظ
۱۶. دار الازواع (ص ۴۲۰) ← دار الاضواء
۱۷. دار الكتاب العربی للاتباع والنشر (ص ۴۲۸) ← دار الكتاب العربی للطباعة والنشر
۱۸. طالیت النور (ص ۴۳۷) ← طلیعة النور
۱۹. دار الطوق النجاح (ص ۴۲۷) ← دار الطوق النجاة

#### د) اشتباه در خوانش واژگان و عبارات دیگر

۱. عصر مفرق (ص ۳۳۴) ← عصر مفرغ
۲. بعید السیت (ص ۳۸۱) ← بعید الصیت
۳. جوز الثامن (ص ۳۸۷) ← الجزء الثامن
۴. یوم السفه (ص ۳۹۱) ← یوم الصفقة
۵. بحث و تحقیق فی ما کتبه المعرخون والمستشرقون ان ابن صبا والقصاص اسلامیه اخرى منزو القرن الثانی (ص ۴۱۵) ← بحث و تحقیق فی ما کتبه المؤرخون والمستشرقون عن ابن صبا وقصص اسلامیه أخرى منذ القرن الثانی
۶. غلنسوه (ص ۴۱۷) و شش مورد دیگر ← غلنسوه
۷. قلانیس (ص ۴۱۸) ← غلانیس

#### ه) اشتباهات حروف نگاشتی و املائی

۱. دربارع (ص ۳۲۱) ← درباره

۲. عبدالعزیز دوری (ص ۳۲۳) ← عبدالعزیزالدوری

۳. فاسمیل (ص ۳۲۵) ← فاکسیمیل

۴. دارالکتب العلیمة (ص ۳۲۷، ۴۱۰) ← دارالکتب العلیمة

۵. استف (ص ۳۳۲) ← است

۶. جذور التریخية (ص ۳۳۵) ← الجذور التاریخية.

گفتنی است که مترجم محترم عبارت را نیز در اینجا نادرست ترجمه کرده است. ترجمه صحیح الجذور التاریخية للشعبوية، «ریشه های تاریخی شعوبی ها» است، نه «ریشه های تاریخی ملی گرای» چنان که مترجم آورده است.

۷. مشهون (ص ۳۳۷) ← مشحون

۸. زرتشتیات (ص ۳۴۸) ← زرتشتیان

۹. ابن خردادبه (ص ۳۷۱) ← ابن خردادبه

۱۰. قلعه مشجر (ص ۳۷۴) ← قلعه مشقر

۱۱. هزیمت (ص ۳۹۴) ← هزیمت

۱۲. مستقیماض (ص ۴۰۱) ← مستقیماً

۱۳. نبودن (ص ۴۰۴) ← نبودند

۱۴. قسطنطنیه (ص ۴۰۶) ← قسطنطنیه

۱۵. اصفهان (ص ۴۱۲) ← اصفهان

۱۶. مناسب بالایی (ص ۴۱۷) ← مناسب بالایی

۱۷. همان منب (ص ۴۳۵) ← همان منبع

### بخش دوم: ملاحظاتی دیگر درباره ترجمه

۱. در مواردی بسیار در ذکر نام ها رعایت یکدستی نشده و یک نام به اشکال مختلف ثبت شده است. برای مثال مترجم محترم نام آرتور کریستنسن، ایران شناس نامدار دانمارکی را به سه شکل کریستن سن (ص ۳۲۲)، کریس تنسن (ص ۳۴۵) و کریستنسن (ص ۳۲۹) آورده است یا نام منطقه هترا در عراق را گاه به همین شکل رایج آن و در مواردی دیگر به صورت حترا ذکر کرده است. (ص ۳۵۶-۳۵۷)

این عدم یکدستی در اصل ترجمه ارجاعات نیز به چشم می خورد. برای مثال مترجم محترم با آنکه سعی در ترجمه نام مراکز و ناشران و ... دارد، در موارد متعددی نیز عین ارجاع انگلیسی را بدون ترجمه آورده است. (رک به: ص ۳۲۲، ۳۲۶ (دو مورد) و ۳۲۷)

۲. در موارد متعددی با آنکه اسامی ترجمه شده مربوط به دانشمندان ایرانی بوده است، به جای آنکه

حروف اختصاری نام ایشان نیز به فارسی و مناسب با مقام ترجمه بیاید، عین حروف انگلیسی ترجمه شده که نادرست است. برای مثال به جای آنکه در ترجمه اسامی دانشمندانی چون علیرضا شاپور شهبازی، احمد تفضلی، وستا سرخوش، احسان یارشاطر و سید حسین نصر حروف اختصاری نام کوچک ایشان به فارسی بیاید، عباراتی چون ای. شاهپور شهبازی (ص ۳۳۹)، ای. تفضلی (ص ۳۸۶)، وی. سرخوش (ص ۳۹۵)، ای. یارشاطر (ص ۴۰۹) و اس. اچ. نصر (ص ۴۱۱) آمده است!

۳. مترجم محترم در مواردی عین عبارت انگلیسی را در ترجمه به فارسی نوشته است؛ با آنکه عبارات مورد نظر در فارسی معیار به کار نمی‌روند. برای مثال مشخص نیست علت ذکر عباراتی چون «اندکس» (ص ۴۲۰) و «استادیا اسلامیکا» (ص ۳۳۴) چیست. این مشکل حتی به حروف اختصاری که نشان از مفاهیم خاصی هستند نیز سرایت کرده است. برای نمونه مترجم محترم دو بار برای کتاب معجم البلدان یا قوت و الأُنساب بلاذری عبارت (ان.دی) را ذکر کرده است، (ص ۳۵۳ و ۴۱۰) حال آنکه این حروف انگلیسی اختصاری مخفف (No Date) است و در ترجمه فارسی باید از عبارت «بی تا» به جای آن بهره برد که به معنی وجود نداشتن تاریخ نشر کتاب است.

۴. استفاده پر شمار از حروف اختصاری انگلیسی در ترجمه فارسی آن هم وقتی که اختصارات در ابتدای کتاب (ص ۲۵) آمده است، چهره نامطلوبی به ارجاعات ترجمه شده داده است. برای مثال خواننده هنگام خواندن عبارات مبهمی چون جی.ان.ای.اس (ص ۳۱۶)، سی.اچ.ای (ص ۳۴۴)، پی.اس.ای.اس (ص ۳۵۴) و موارد بسیار دیگر باید به ابتدای کتاب رجوع کند تا در باید منظور از آنها به ترتیب: ژورنال مطالعات خاور نزدیک، تاریخ ایران کمبریج و صورت جلسات سمینار مطالعات عربی است.

## سخن پایانی

در یک ارزیابی کلی می‌توان درباره این ترجمه ناصواب چنین گفت:

مترجم محترم کمترین آشنایی با دانش تاریخ، کتب تاریخی و دانشمندان این رشته ندارد. کسی که بارها و بارها ابن هشام و ابن اثیر را به شکل ابن حشام و ابن اسیر خوانش کند، آیا حتی یک بار نیز نام این دانشمندان نامدار اسلامی را دیده است؟! متأسفانه شمار اشتباهات آن قدر زیاد است که هرگونه تصور خطای تایپیست، ویراستار و... را نفی می‌کند.

مترجم محترم کتاب فاقد آگاهی اولیه از زبان عربی است. بسیاری از خوانش‌های نادرست و اغلاط فاحش کتاب برخاسته از همین فقدان است.

مترجم حتی به خود زحمت این را نداده که اثر خود را پیش از انتشار به متخصصان امر عرضه کند. در سپاسنامه کتاب مترجم محترم از سه «دکتر» سپاسگزاری کرده که یکی پژوهشگر هنراست و دو دیگر

در عرصه حقوق فعال هستند، چنان که تحصیلات مترجم نیز حقوق بوده است. با احترام به تمامی آن بزرگواران بهتر بود برای انتشار کتابی در زمینه تاریخ اسلام، مترجم اثر خود را به متخصصی در همین رشته عرضه می‌کرد. حاصل این کار بی‌تردید اثری پاکیزه و با اشتباهاتی به مراتب کمتر بود.

این چند ویژگی مترجم محترم سبب غلط‌هایی فاحش در جای جای کتاب شده است. آنچه در این نوشتار عرضه شد، تنها مربوط به بخش ضمیمه بود و در متن کتاب نیز به همین شکل شاهد اشتباهات فاحش بسیاری هستیم که شاید تعداد آن حتی به مراتب بیش از اینها نیز باشد.

فارغ از آنکه مترجم در اصل ترجمه خود از کتاب چه اندازه توفیق یافته است، باید گفت که تعداد زیاد غلط‌هایی که برخی از آنها را برشمردیم کافی است تا مترجمی دیگر که از دانش‌های لازم برای ترجمه یک کتاب تاریخی برخوردار است، به ترجمه‌ای تازه و خالی از اشتباهات فاحش از این کتاب اقدام کند.